نازه‌های نشر

مدیریت کسب و کار با هنجارهای اسلامی

کتاب «مدیریت و اخلاق (درنگی در شناسایی و کاربست هنجارهای اخلاقی در مدیریت کسب‌وکار با رویکرد اسلامی)» اثر حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی اسلامی در ۳۲۳ صفحه روانه بازار نشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، پژوهشکده اخلاق و معنویت از ابتدای تأسیس کارگروه اخلاق کاربردی بر پایه تحقیقات میدانی پروژه اخلاق مدیریت کسب‌وکار را در دستور کار خود قرار داد. این کتاب نخستین محصول پروژه «اخلاق مدیریت» است.

این اثر در سه فصل تألیف شده؛ در فصل نخست، توضیحاتی در باب مفردات و ادبیات بحث و تعریف کلیات اخلاق و مدیریت وضرورت اخلاقی بودن مدیران، به ویژگی‌های مسائل اخلاقی در مدیریت اشاره و به اخلاق کسب‌وکار به عنوان شاخه‌ای علمی پرداخته شده است. در فصل دوم که با عنوان «هنجارشناسی اخلاق مدیریت» تألیف شده، پس از بیان ویژگی‌های هنجارشناسی اسلامی و معرفی هنجارهای عام اخلاقی در مدیریت ومقایسه آن‌ها با هنجارهای ویژه اسلامی، تلاش بر آن است امتیاز رویکرد اسلام به هنجارهای مشترک در میان همه مکاتب اخلاقی نشان داده شود.

فصل سوم به «زمینه‌های کاربست هنجارهای اخلاقی در مسائل مدیریتی» اختصاص یافته است. در این فصل، پس از سنخ‌شناسی گونه‌های مسائل اخلاقی مدیران در سازمان‌ها، انواع شیوه‌های رویارویی مدیران با این مسائل ذکر شده و با تمرکز بر شیوه‌ی توجیهی اخلاقی، از شیوه‌های اصلاح این شیوه سخن رفته است. پس از بیان هنجارهایی که از نظر اسلام در فرایند مدیریت سازمان‌های کسب‌وکار بر آن‌ها تأکید می‌شود، شایسته است با برخی ویژگی‌های هنجارشناسی اسلامی آشنا باشیم. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. تقسیم‌بندی ارزشی مشاغل: اسلام مشاغل را به حلال، حرام، مستحب و مکروه طبقه‌بندی می‌کند. این طبقه‌بندی از وجود سیستمی منظم در مدیریت اسلامی حکایت دارد.

۲. نگاه تربیتی به کار و مدیریت: یک دیگر از ویژگی‌های مکتب اخلاقی اسلام در بحث کار و مدیریت، نگاه تربیتی خاص این مکاتب به این مقوله است و این ویژگی در بیانات مختلف از روایات پیامبر اسلام(ص) آمده است. برنامه تربیتی اسلام در کسب‌وکار چنین است که در گام نخست به کار و تلاش و جدیت در امر معاش سفارش می‌کند و گام دوم در تربیت اخلاقی مدیران و اهالی کسب‌وکار اصلاح روحیات اخلاقی فردی است که اسلام با ارائه مقررات ودستورالعمل‌هایی به این مهم توجه کرده است. گام سوم، اصلاح اخلاق اجتماعی است که در پرتوی اصلاح رابطه فرد با بیرون از خود (جامعه و محیط زیست پیرامون خود) صورت می‌گیرد.

۳. ارزش‌گرایی به جای اصل‌گرایی: تنها با مروری بر منابع اصیل اسلامی (قرآن کریم و سنت معصومان) می‌توان دریافت هدف اخلاق از نظر اسلام، تعالی معنوی وروحانی فاعل اخلاقی است. مبنا قرار گرفتن اخلاق، فضیلت گفتمان اخلاق را از «اصل» و «الزام» که از تکیه بر فعل حکایت می‌کنند، به «انگیزش» و «ارزش» تبدیل می‌کند که از تمرکز بر فاعل حکایت دارند. به این دلیل بر این باوریم در دیدگاه اخلاق اسلامی «ارزش‌گرایی» به جای «اصل‌گرایی» محوریت دارد.

مقدمه و زمینه انتظار فرج

در روایت نبوی داریم: «اَفضَلُ اَعمالِ اُمّتی اِنتِظارُ الفَرَج». چرا افضل است؟ انتظار فرج زمینه می‌خواهد؛ یعنی انسان احساس خلأ کند. احساس خلأ وقتی است که طبیعت انسان مسخ نشده باشد. الان بعضی می‌گویند چیزی کم و کسر نداریم! الحمدلله ما همه چیز داریم! دیگر باز تزار از این نمی‌شود صحبت کرد. پس انتظار فرج یعنی چه؟ این زمینه خراب شده است.

کسی که احساس کمبود نمی‌کند؛ ضد ارزش در کارهای مردم نمی‌بیند؛ در حرف‌های مردم حرف بی‌ربط نمی‌بیند؛ می‌گوید ما چه چیزی کم داریم که منتظر فرج باشیم؟ زمینه پیدا شدن انتظار در وجود انسانِ مؤمن، از ضروریات است

که پیش از اینکه انتظار بیاید باید باشد. تا این زمینه نباشد، انتظار فرج یعنی چه؟ این زمینه خراب شده است.

چه کسی نمی‌تواند این کمبود را رفع کند مگر یک نفر. مرحله سوم، اشتیاق پیدا کند آن یک نفر تشریف بیاورند. آن وقت این دستش خالی شده و جای آن چیز دیگری گذاشته‌اند.

بین را در خیابان نمی‌شود جواب داد. برای او باید انسانیت را تعریف کرد؛ صفات انسانی را تعریف کرد؛ برای او باید غیرت و حمیت را تعریف کرد. این‌ها طول می‌کشد. نه دو ساعت و پنج ساعت، که سال‌ها طول می‌کشد تا آنچه را او از دست داده، حالی‌اش کند که

باید جواب داد؟

نباید جواب داد. برای او باید انسانیت را تعریف کرد؛ صفات انسانی را تعریف کرد؛ برای او باید غیرت و حمیت را تعریف کرد. این‌ها طول می‌کشد. نه دو ساعت و پنج ساعت، که سال‌ها طول می‌کشد تا آنچه را او از دست داده، حالی‌اش کند که

دستش خالی شده و جای آن چیز دیگری گذاشته‌اند.

در بحث انتظار باید قبلش این بحث شود که زمینه از بین نرفته باشد؛ زمینه انسانیت و کرامت را که خدا در انسان خلق کرده؛ از بین نبرده باشیم. اگر از بین برده باشیم دیگر نمی‌شود بحث افضلیتِ انتظار فرج را کرد.

گزارش

پیش نشست «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» برگزار شد

در جست‌وجوی راهکار دینی برای حل مشکلات زیست محیطی

نشست «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» با حضور جمعی از اندیشمندان حوزه محیط زیست و شرکت‌کنندگان در گفت‌وگوهای دینی مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مسئولان و اعضای هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و نمایندگان پیروان ادیان کشورمان در حسینیه الزهرا(س) این سازمان برگزار شد.

به گزارش ایسنا، علی اکبر ضیایی، رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها در این نشست به تشریح فعالیت‌های این مرکز پرداخت و تأکید کرد: این مرکز در طول ۲۸ سال گذشته تاکنون نشست‌های بسیاری میان دانشمندان مسلمان با سایر ادیان برگزار و با اعزام هیئت‌های مختلف در گفت‌وگو با سایر ادیان شرکت کرده که مورد توجه جهان اسلام قرار گرفته است.

وی تصریح کرد: ما معتقدیم اگر ادیان بتوانند با یکدیگر همبستگی داشته باشند، می‌توانند از طبیعت به بهترین وجه محافظت کنند، زیرا ادیان به حفاظت از محیط زیست توجه ویژه‌ای دارند.

رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها، آموزه‌های ادیان الهی را راه برون‌رفت از بحران‌های محیط زیست عنوان کرد.

ضیایی با استناد به آیه قرآن کریم که می‌فرماید «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» گفت: منابع طبیعی در طول سال‌های متوالی تخریب شده و برخی از حیوانات نابود شدند، طبیعتاً اگر برداشت درستی از متون مقدس نداشته باشیم نمی‌توانیم محیط زیست مطلوبی هم داشته باشیم، اگر می‌خواهیم از این پل عبور کنیم و به سعادت برسیم باید در حفظ و استحکام این پل کوشا باشیم.

■ **زندگی مدرن توجه انسان به طبیعت را کاهش داده است**

محمدحسن امامی، دبیر انجمن مسیر ایران نیز به اهمیت و چرایی برگزاری همایش ملی «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» اشاره و تصریح کرد: سازمان ملل براساس تحقیقاتی که انجام داده در برابر این سوال که برای رسیدن امروزی به دنبال موفقیت است نه خوشبختی و انسان معاصر موفقیت‌گراست نه خوشبخت‌گرا.

دبیر انجمن مسیر ایران افزود: زندگی مدرن امروز سبب شده توجه انسان به طبیعت کاسته شود و به نوعی زندگی خود را به موازات طبیعت پیش نبرد.

وی با تأکید بر ایجاد راهکارهای مشترک دینی برای حفاظت از محیط زیست افزود: وقتی می‌گوییم باید با دین به سراغ محیط زیست برویم، در واقع به دنبال آن هستیم که روشمند و نظام‌مند با مسئله مواجه شویم و محرک‌های اقتصادی داشته باشیم.

امامی ادامه داد: به نظر می‌رسد علم آکادمیک توانایی حل مسائل ما را ندارد و ما می‌خواهیم دین را داخل این موضوع بیاوریم و قرائت‌های جدیدی از متون دریافت کنیم تا با راهکارهای برخاسته از محیط زیست مواجه شویم. به طورکلی نیازمند طبیعتی هستیم که با معناست و می‌خواهیم از این طریق، رابطه انسان با طبیعت را جست‌وجو کنیم.

دبیر انجمن مسیر ایران افزود: باید از نو رابطه خود را با طبیعت قابل فهم کنیم. ما به دنبال آن هستیم یک جهت‌یابی داشته باشیم و نظریه‌سازی کنیم و در نهایت، به واسطه دین و دریافت دیدگاه‌ها و ایده‌های ادیان مختلف، این مهم محقق شود.

وی با تأکید بر اینکه دین قابلیت حل مسائل بنیادی بشر را دارد، گفت: ما دارای ظرفیت عظیمی به نام دین هستیم و باید از این ظرفیت بهره‌گیری لازم را داشته باشیم و امیدواریم نتایج این گونه نشست‌های تخصصی بتواند در بهبود زندگی مردم جهان و آیندگان تأثیرگذار باشد.

■ **برگزاری همایش «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» در اواخر آذرماه**

امین احمدی، دبیرکل این کنفرانس نکاتی را در خصوص نحوه برگزاری همایش ملی «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» در اصفهان مطرح کرد و گفت: استان اصفهان در روزهای ۲۳ و ۲۴ آذرماه میزبان همایش ملی «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» خواهد بود.

وی اظهار کرد: در این همایش از نمایندگان ادیان مختلف و صاحبنظران حوزه محیط زیست دعوت می‌شود به بررسی این موضوع بپردازند و پس از به پایان رسیدن، بیانیه‌ای صادر می‌شود که برگزارکنندگان آن، مفاد همایش را همگانی خواهند کرد.

پوانتن بت کلیا، نماینده آشوریان هم در سخنانی، نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست را ضروری برشمرد و گفت: به نظر می‌رسد اگر سایر همایش‌های اینچنینی از نمایندگان ادیان دعوت شود در محل انجمن‌های توحیدی و نمونه آن گرد هم آیند، تأثیرگذاری بهتری خواهد داشت.

حجت‌الاسلام محمدحسین مظفری، رئیس مرکز صلح و گفت‌وگوی دانشگاه ادیان و مذاهب نیز اظهار کرد: موضوع نقش ادیان الهی و برطرف کردن بحران‌های جهانی محیط زیست، بسیار مهم، حیاتی و ضروری است که توجه همه ما را به آن جلب کرده است.

وی ادامه داد: این نگاه از انقلاب صنعتی ورنسانس مطرح شد که ادیان به‌طور عام و دین مسیحیت به طور خاص دوری از دنیا را تبلیغ و ترویج می‌کنند و چنین اندیشه‌ای مانع پیشرفت بشر می‌شود.

حجت‌الاسلام مظفری در عین حال افزود: انسان زاهد انسانی است که به دنبال فضیلت و دوری از دنیاست و طبیعتاً نمی‌تواند پیشرفت کند و موفق شود. با چنین اندیشه‌ای، مدرنیته «بشر» را وارد عصر جدید کرد که به جای فضیلت باید به دنبال منفعت باشد.

وی خاطرنشان کرد: ادیان به دنبال آن هستند فضائل را در دنیا رواج دهند و باید این مهم چه در سطح فردی و چه در سطح بین‌الملل شکل گیرد؛ اگر خواهان امنیت هستیم باید به جای امنیت ملی به امنیت بشری فکر کنیم.

حجت‌الاسلام مظفری تأکید کرد: بنابراین باید در جست‌وجوی فضیلت بوده و از منافع خارج شویم به فضیلت رجوع کنیم تا بتوانیم بحران‌های امروز را حل و برطرف کنیم.

حجت‌الاسلام محمدمهدی تسخیری، معاون ارتباطات و امور بین‌الملل دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به اهمیت برگزاری همایش ملی «نقش ادیان الهی در خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست» به توضیح رابطه بشر، ادیان الهی و محیط زیست پرداخت.

وی افزود: ما با برگزاری این همایش به دنبال راهکارهایی برای خروج از بحران‌های جهانی محیط زیست و نقش مهم ادیان الهی در این زمینه هستیم.

حجت‌الاسلام تسخیری ادامه داد: در ادیان الهی، آموزه‌های بسیاری برای حفظ محیط زیست وجود دارد که اگر به کار گرفته شوند می‌توانند مشکلات امروزی را برطرف کنند.

وی در پایان سخنانش تأکید کرد: در این همایش صاحبنظران، اندیشمندان و نمایندگان مختلف ادیان الهی دور هم جمع می‌شوند و مسئله زهد، جهاد، نقش فردی و اجتماعی و... در حوزه دین و محیط زیست را بررسی می‌کنند.

خزاعی | در پی اتفاقات اجتماعی اخیر شاهد برجسته‌سازی مسئله زن و حجاب و گره خوردن این دو مفهوم با اعتراضات در فضای مجازی بودیم. از این رو سلسله کارگاه‌هایی با هدف بررسی شعار «زن، زندگی، آزادی» توسط رسانه فرهنگی «چ کتاب» برگزار شد که در آخرین این جلسات، دبیر گروه فلسفه، دانش‌آموخته مدیریت آموزشی به بررسی نسبت «زن و نظام سلطه» پرداخت. در ادامه، گزیده‌ای از گفتار فاضل را از نظر می‌گذرانید.

■ **انقلاب صنعتی، نقطه آغاز ظلم علیه زنان**

با وقوع انقلاب صنعتی احتیاج به کارگر ارزان نیز ضرورت پیدا کرد. تولید انبوه با ۱۰ یا ۲۰ کارگر حقوق داد، ترجیح این بود تا تمام شود، بر طبل بی‌هودگی کوبید. از اینجا بی‌هودگی به عنوان یک ارزش جدی در این صنعت مطرح شد. صاحبان صنعت به دنبال سود بیشتری بودند و به این شکل، نگاه بی‌هودگی در عمل کم‌کم به بهره‌مکشی انجامید. اگرچه من معتقد نیستم همه جریان‌های فمنیستی بر اساس طرح از پیش تعیین شده نظام سلطه و اقتصاد سرمایه‌داری پیش می‌روند، چون حقیقتاً ظلم‌هایی وجود دارد و زنان از طریق جنبش‌هایی می‌خواهند حق مشروع خودشان را بگیرند، اما قسمتی از جریان‌های فمنیستی از این نوع هستند یعنی با ایجاد تحرکاتی، حضور اجتماعی زنان را تنها به شغل و کار تقلیل دادند و آن‌ها را به اسم آزاد شدن از قید خانه و مرد در خانواده، برای یک حضور بیرونی ترغیب کردند، در حالی که فضای تمدن غربی و دولت مدرن یک فعالیت معنادار و اجتماعی برای زن و مرد در نظر نداشت و صرفاً به دنبال منافع اقتصادی بود تا از این طریق مرد یا زن را به استخدام خود در بیاورد.

■ **مصرف، قلب تپنده نظام سرمایه‌داری**

پس از آنکه زن به عنوان کارگر ارزان‌قیمت در نظام تولید سرمایه‌داری مورد استفاده قرار گرفت، گام بعدی، مسئله مصرف است که قلب تپنده نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود. یعنی باید کسی باشد که مصرف کند و اینجا روح لطیف و به دنبال آن زیبایی زن می‌تواند در خدمت سرمایه‌داری قرار گیرد و به‌جای اینکه مصرف تولید زیبایی در خانواده و جامعه شود، به سمت مصرف زیبایی برود. پس نخست باید یک تغییر در روحیات زن و فرهنگ زنانه اتفاق بیفتد که به جای تولید زیبایی به مصرف زیبایی فکر کند و دوم زیبایی را در تنوع و تکثر بداند، سوم تنوع و تکثر راتحت پارادایم مُد تعریف کند، یعنی فرد باید مدام متنوع آرایش کند یا متکثر لباس بپوشد. این تکثرها از الگوی خاصی پیروی می‌کند، یعنی به جای آنکه با اراده و انتخاب فرد مدیریت شوند، طبق نظر دیگران تغییر می‌یابند و بی‌اراده فرد مهم می‌شوند.

■ **جامعه مصرفی، جامعه افسرده**

دو جریان ذیل طراحی صنعتی ایجاد شده است. یک طراحی برای ازکار افتادن شکل می‌گیرد، یعنی طوری طراحی می‌کنند که پس از مدتی من مصرف‌کننده احساس کنم دیگر این محصول به درد نمی‌خورد و باید یک محصول دیگر بخرم و به این شکل از خرج خارج می‌شود. مرحله بعد، طراحی برای از کار افتادن ذهنی است یعنی دیگر سرمایه‌دار محصولی طراحی نمی‌کند که از کار بیفتد تا افراد بخواهند دوباره آن را بخرند، بلکه به نحوی طراحی می‌کند که از جنس مرغوب و قابل اطمینانی هم برخوردار باشد، اما با تبلیغات طوری عمل می‌کند که مخاطب به‌ویژه زنان در ذهنشان احساس کنند این کالایی که خریده‌اند، جواب‌گوی نیازها و لذائذ آن‌ها نیست. تبلیغات بازرگانی هیچ‌وقت در خدمت معرفی جنس با کیفیت، متناسب و با دوام نیست، بلکه این رسالت بزرگ را برعهده دارد که به مخاطب بگوید وضعیت خوبی ندارد و برای او نارضایتی ایجاد کند. البته اگر صرفاً حس نارضایتی ایجاد کند، کم‌کم جامعه افسرده خواهد شد. بنابراین همزمان با اینکه باید در افراد به‌ویژه زنان یک ناامیدی ایجاد کند که مثلاً لباس، پوست، مدل لب و گونه یا دکور و لوازم خانه تو خوب نیست، در عین حال یک امیدواری بزرگ برای آن‌ها ایجاد می‌کند که اگر چه وضعیت تو اکنون خوب نیست، اما امیدوار باش که می‌توانی آن زیبایی را بخری و این یک چرخه مداوم است.

■ **مصرف بیشتر، افسردگی بیشتر**

ناامیدی در خودش همچنان باید یک کورسوی امیدی با خرید روشن کند، به قولی می‌گویند ما با یک چرخه تماشا و خرید (WATCHING و SHOPPING) روبه‌رو هستیم که مدام تبلیغات بازرگانی را می‌بینیم و می‌فهمیم آنچه داریم بد است. به این صورت بر اساس تبلیغات یک چرخه مسخره‌ای شکل می‌گیرد که مدام باید خودش را بازتولید کند. «تیم کسر» در کتاب «بهای بالای مادی‌گرایی» می‌گوید به میزانی که فرد مدام مصرف می‌کند، بیشتر به سمت مادی‌گرایی کشیده شده می‌رود و افسردگی اش بیشتر می‌شود، بنابراین برای فرار از این افسردگی و ناامیدی بیشتر مصرف می‌کند. حتی اگر فرد بر اثر ناامیدی افسرده شود هم ایرادی ندارد و سرمایه‌داری می‌تواند برای آن هم یک بازار دیگری درست کند که کلینیک‌های مشاوره و روان‌درمانی هستند. در نظام سرمایه‌داری هم چیز می‌تواند به بازار بدل شود، چون اینجا هم چیز کالا شده است. در این چرخه مصرف، زن عملاً از انسانیت خودش دور می‌شود.

■ **جامعه فرامصرفی و معنازدایی از خانواده**

از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، به جامعه فرامصرفی می‌رسیم. جامعه فرامصرفی جامعه‌ای است که خانواده‌ها نه فقط مصرف انبوه دارند بلکه چند ائاثیه شدند؛ برای نمونه یک خانواده چند ماشین دارد. از این طریق کاری کرده‌اند که نهاد خانواده به لحاظ اقتصادی دیگر معنا نداشته باشد. فرد اگر می‌خواهد جابه‌جا شود، لزوم نیست منتظر باشد یکی از اعضای خانواده بیاید، خودش ماشین دارد و اعضای دیگر خانواده هم خودشان ماشین دارند. متنوع آرایش کند یا متکثر لباس بپوشد. این تکثرها هستند که برای خودشان تصمیم می‌گیرند. یک خانواده، تنها یک خانه ندارند و هر کدام از افراد خانواده می‌توانند یک خانه مجزا داشته باشند. کم‌کم می‌بینیم این چند ائاثیه شدن، آن فرد میزان مصرف را بالا می‌برد که حتی از خانواده هسته‌ای هم فراتر می‌رود. پرندها در باغ وحش فرامصرفی در این حد باقی نمی‌مانند و از اینجا به بعد مسئله مصرف، به سمت عاطفی شدن پیش می‌رود و به‌شدت از عقلانیت دور می‌شود. براساس نگاه مک این تایر، جامعه مدام مصرف می‌کند به نه به خاطر اینکه یک منزلت اجتماعی کسب کند یا نظر دیگران برایش اهمیت داشته باشد، بلکه صرفاً برای لذت و سرگرمی مصرف می‌کند. سرمایه‌داری در مسئله مصرف تا این حد جلو می‌آید.

■ **راه‌رهایی زن از چرخه مصرف**

تیم کسر در کتاب «بهای بالای مادی‌گرایی» می‌گوید ما در برابر بلایی که مصرف دیوانه‌وار بر سر زن و جامعه می‌آورد، نمی‌توانیم جز با افزایش آگاهی، آن‌ها را از این وضع نجات دهیم. وی معتقد است باید به مصرف‌کننده این آگاهی را داد که او قرار فقط بزرگ نظام سرمایه‌داری زندانی است. وقتی یک پرنده را در یک قفس کوچک زندانی کنیم، میله‌های قفس را

دکتر رقیه فاضل در نشست بررسی نسبت «زن و نظام سلطه»:

«سرمایه‌داری» فرصت فکر کردن را از زنان می‌گیرد

نظام سرمایه‌داری، زن را در قفسی به‌نام چرخه دیوانه‌وار تماشا و خرید قرار داده است. تیم کسر می‌گوید برای نجات زنان از سلطه سرمایه‌داری باید وجود و با ارزش انسان و هویت انسانی مصرف‌کنندگان را مدام به او یادآور شویم، تنها اگر افراد را به وجود و ارزش خودشان آگاه کنیم، می‌توان این چرخه را شکست.

بیینند و تلاش می‌کنند از این قفس آزاد شود. یک راه خوب برای اینکه خودش را به در و دیوار نزند این است که قفسش را آن قدر بزرگ کنیم که بدل به باغ پرندگان شود. در باغ پرندگان چون میله‌های قفس دیده نمی‌شود، پرنده از یک طرف خودش را به در و دیوار نمی‌زند و از طرف دیگر بازاری هم برای صاحب باغ پرندگان ایجاد خواهد شد.

در مورد مسئله آزادی زن نیز همین‌طور است، یعنی نظام سرمایه‌داری، زن را در قفسی به‌نام چرخه تماشا و خرید قرار داده است. تیم کسر می‌گوید برای نجات زنان از سلطه سرمایه‌داری باید وجود با ارزش انسان و هویت انسانی مصرف‌کننده را مدام به او یادآور شویم. هویت انسانی در نظام سرمایه‌داری نخست با کالاهایی که مصرف می‌کند و دوم با ظاهری که دارد، تعریف می‌شود. تیم کسر می‌گوید تنها اگر افراد را به وجود با ارزش خودشان آگاه کنیم، می‌توان این چرخه را شکست. البته صحبت از آگاهی کافی نیست و باید علاوه بر آگاهی، به دنبال جایگزین دیگری آن‌هم برای دیگری هم بود تا بتوان زن را از زندان سرمایه‌داری آزاد کرد.

طریق مصرف برندها بدست می‌آورند. برندها در جامعه فرامصرفی در این حد باقی نمی‌مانند و از اینجا به بعد مسئله مصرف، به سمت عاطفی شدن پیش می‌رود و به‌شدت از عقلانیت دور می‌شود. براساس نگاه مک این تایر، جامعه مدام مصرف می‌کند نه به خاطر اینکه یک منزلت اجتماعی کسب کند یا نظر دیگران برایش اهمیت داشته باشد، بلکه صرفاً برای لذت و سرگرمی مصرف می‌کند. سرمایه‌داری در مسئله مصرف تا این حد جلو می‌آید.

■ **راه رهایی زن از چرخه مصرف**

تیم کسر در کتاب «بهای بالای مادی‌گرایی» می‌گوید ما در برابر بلایی که مصرف دیوانه‌وار بر سر زن و جامعه می‌آورد، نمی‌توانیم جز با افزایش آگاهی، آن‌ها را از این وضع نجات دهیم. وی معتقد است باید به مصرف‌کننده این آگاهی را داد که او قرار فقط بزرگ نظام سرمایه‌داری زندانی است. وقتی یک پرنده را در یک قفس کوچک زندانی کنیم، میله‌های قفس را

دیدگاه

حجت‌الاسلام محمد حاج ابوالقاسم دولایی:

مهم‌ترین چالش حوزه‌های علمیه کاربردی کردن معارف دین است

مشاور رئیس جمهور در امور روحانیت گفت: مهم‌ترین چالش حوزه‌های علمیه در یک کلمه، کاربردی کردن معارف دینی است و اگر این اتفاق رخ ندهد، بین حوزه‌ها و توده مردم فاصله خواهد افتاد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد حاج ابوالقاسم دولایی، عضو مجلس خبرگان رهبری و مشاور رئیس‌جمهور در امور روحانیت در گفت‌وگو با ایکنا به مناسبت صدمین سال احیای حوزه علمیه قم به بیان مهم‌ترین چالش‌های پیش روی حوزه علمیه از جمله در حوزه حقوق بانوان پرداخت.

■ **بزرگ‌ترین چالشی که حوزه علمیه در سال‌های آینده با آن مواجه است چیست؟**

با توجه به اینکه نظام مقدس اسلامی در سایه هدایت علما در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی است، طبیعتاً دشمنان ما به‌منظور تقابل با نظام بیشترین تلاش را خواهند کرد که مردم را از تکیه‌گاه اصلی خود که علما هستند دور کنند. این دور کردن در سطوح مختلف، ابعاد و اشکال مختلف صورت می‌گیرد؛ در ابعاد علمی به یک شکل، در ابعاد تربیتی به شکل دیگر و در ابعاد اجتماعی به شکلی دیگر.

در ابعاد علمی سعی دارند ارتباط علما با علم دینی را کمرنگ و این طور وانمود کنند که علم دینی کارایی ندارد. بنابراین یکی از چالش‌های حوزه این است که کارآمدی علم دینی را به اثبات برسانند. در عرصه عرفان‌های نوظهور و مکاتب انحرافی که یکی پس از دیگری پدید می‌آیند رسالت مهم حوزه و علما این است با جهاد تبیین -که از اصلی‌ترین اوهم‌زدایی‌ها آن‌هاست- با این جریان‌ها مقابله کنند.

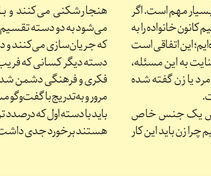

در عرصه سبک زندگی اسلامی، دشمن با هجمه و حمله همه‌جانبه درصدد تغییر سبک زندگی مردم است. اینجا رسالت حوزه‌های علمیه با کمک دانشگاهیان این است که تمام تلاش خود را به کار بگیرند سبک زندگی اسلامی را بر پایه تعالیم دین و در چارچوب احکام الهی تنظیم و ترویج کنند و اگر موانعی در مسیر آن است برای برطرف کردن آن کمک کنند.

بنابراین مهم‌ترین چالش حوزه‌های علمیه در یک کلمه، کاربردی کردن معارف دینی است؛ اگر این اتفاق نیفتد بین حوزه‌ها و توده مردم فاصله خواهد افتاد.

مردم باید هم شیرین معارف دینی را در زندگی خود احساس کنند. از این رو حوزویان باید به شیوه‌های اقامه دین و عینی کردن دین در زندگی اجتماعی مسلط شوند.

■ **یکی از چالش‌های پیش روی حوزه، مسئله حقوق زنان در فقه است. به نظر با توجه به مشکلاتی در این زمینه، نیازمند بازخوانش متون هستیم؛ نظر شما چیست؟**

یکی از مصادیق عرایض بنده در حوزه حقوق زنان است. ما باید نشان دهیم احکام دین چگونه می‌تواند به نفع یک زن تمام شود و زن می‌تواند در سایه عمل به احکام دین، توفیقات بیشتری داشته باشد. این یک مسئله تک‌بعدی نیست و ابعاد مختلف دارد؛ هم ابعاد بینشی، هم گرایشی. تبیین جایگاه خانواده در نظام اجتماعی اسلامی مهم است؛ اینکه اگر جامعه از نظر خانواده دچار آسیب شد چه بلایی بر سر آن جامعه می‌آید.

نکته دوم این است باید درباره ارکان خانواده و نقش هریک به‌خوبی توضیح داده و روشن شود نقش مرد و زن در خانواده در عین تفاوت، بسیار مهم است. اگر دنبال شبیه‌سازی نقش‌ها باشیم کانون خانواده را به سمت متلاشی شدن سوق داده‌ایم؛ این اتفاقی است که در غرب رخ داده است. با عنایت به این مسئله، بسیاری از احکامی که درباره مرد یا زن گفته شده قابل فهم و تجزیه و تحلیل است.

گاه روی برخی تکالیف خاص یک جنس خاص متمرکز می‌شویم، مثلاً می‌گوییم چرا زن باید این کار را ملاک اصلاح و تغییر زن می‌دانند، نمی‌توانند انسانیت زن را در برابر سرمایه‌داری احیا کنند. به این ترتیب، مسئله حجاب هم می‌تواند ذیل همان تطورات جامعه فرامصرفی بگنجد و باید جلو این تحجر را گرفت.

■ **۲ ویژگی زنان آزادی‌خواه**

سراغ کتاب تفکر، تألیف مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی می‌روم. آقای حائری معتقدند استعمار یعنی تعطیلی فکر، نه به آن معنا که اجازه ندهند فکر کنید، بلکه فکر کردن به شما ندهند. یعنی نه اینکه نظام سرمایه‌داری و جریان سلطه اجازه تفکر را به زن غیرمجیه ندهند، بلکه فرصت فکر کردن را از او می‌گیرند. زنی که مدام ذهنش درگیر این است که چه چیزی بپوشم، چگونه آرایش و چه رنگی را با رنگ دیگر سبک کنم یا وسایل خانه‌ام را چگونه عوض کنم و... عملاً فرصتی برای تفکر ندارد. این طور است که زن اسیر می‌شود و از چنبره نظام سلطه بیرون نخواهد آمد. جالب است که حضرت امام(ره) در کتاب «شرح جنود عقل و جهل» که حدیث جنود را از امام صادق(ع) شرح می‌دهند، سه نوع از سربازان جبهه عقل و جبهه جهل را پشت سر هم مطرح می‌کنند. ابتدا به «فهم» و ضد آن «حمق» اشاره می‌کنند یعنی در جنود عقل، تفکر را ترویج و در جنود جهل، انسان‌ها را تحمیق می‌کنند. این احمق شدن یک‌بار جلو فکر کردن و فرصت فکر کردن را می‌گیرد. در ادامه به «عفت» و ضد آن «هتک» اشاره می‌کنند. بنابراین ما با تفکر به عفاف و با حمق به هتک و پرده‌دری می‌رسیم. پس از آن، بحث «زهد» و ضد آن «رغبت» را مطرح می‌کنند. یعنی تفکر، ما را به عفاف و ساده‌زیستی دعوت می‌کند و حمافت به مال‌پرستی و مصرف می‌کشاند. پس تفکر در این حدیث موجب عفت، زهد، قناعت و ساده‌زیستی و برعکس آن، حماقت و کنار گذاشتن تفکر موجب بی‌عفتی، پرده‌دری و بی‌حیایی می‌شود و رغبت به دنیا، مادی‌گرایی و مصرف شدید را پدید می‌آورد. از این منظر اعتقاد داریم اتفاقاً زن مسلمان وقتی آگاه می‌شود و دل به یک آرمان اجتماعی مثل عدالت می‌بندد، طبیعی است ساده‌زیست هم خواهد شد. برخلاف دیدگاه انقلاب اسلامی، آن نگاه سرمایه‌داری و اسلام آمریکایی یعنی متحجران در عین اینکه عفاف را برای زن می‌پسندند، مسئله‌شان خیلی تفکر زن و حتی ساده‌زیستی او هم نیست. این انقلاب اسلامی است که عفاف، تفکر و ساده‌زیستی را هم برای زن و هم برای مرد می‌خواهد. جریان اسلام آمریکایی و آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین نیز عفت را می‌خواهند، اما ریشه‌های عفت و پیامدهای آن را نمی‌خواهند. ریشه عفت، تفکر است و پیامد آن، زهد و ساده‌زیستی. انقلاب اسلامی اتفاقاً آنه تنها سلطه سرمایه‌داری، بلکه سلطه متحجران را نیز در قبال خود می‌داند.

برای جمع‌بندی حول شعار «زن، زندگی، آزادی» معتقدم اگر به زن هر دو مؤلفه لازم یعنی آگاهی و آرمان را بدهیم، این زن، آزاده و آزادی‌خواه خواهد بود و می‌تواند خودش را از بند آزاد کند و به یک زندگی و حیات طیبه‌ای برساند. به باور ما، به دنبال یک زندگی گوارا هستیم که همانا زندگی انسانی است و می‌خواهیم از این طیبت بهره ببریم و فطرت خودمان را متجلی کنیم. می‌خواهیم از این نیروهای طبیعی خودمان برای تحقق عدالت و توحید استفاده کنیم. بنابراین معتقدم زندگی انسانی خواهد بود که آرمان‌های بلندی داشته و از مراتب حیوانی عبور کرده باشد.

■ **انقلاب امام خمینی(ره) برای آزادی زنان**

کاری که حضرت امام(ره) در قبال زنان کردند، احیای آرمان عدالت بر اساس مبنای قرآنی «لیقوم الناس بالقسط» بود. حضرت امام(ره) زن را به عنوان یک مجاهد معرفی می‌کنند که در راه عدل و برای عدالت اجتماعی زنان باید قیام کند. تعلق زن به این آرمان و این قله است که علاوه بر آگاهی، می‌تواند او را آزاد کند. پیش ازاین، زن خودش را در این مقام فرض نمی‌کرد و احساس نمی‌کرد در